

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۲۹ جولای ۲۰۲۱

حامد نوید

آغاز مدنیت های شهری و بررسی آثار هنری ایندوره

نگاهی به پس منظر تاریخی ایندوره:

از نگاه تحول زندگانی انسان در سیر زمانه ها بعد از عهد مغاره نشینی، شکارگری، دوره گردی، و پس از آن اهلی ساختن حیوانات و دوره زراعتی، بشر اولیه به زندگانی شهرنشینی ارتقا یافت، که از نگاه فرهنگی و انکشاف شعور اجتماعی مرحله پیشرفته تری بود. این مرحله حیات نیز به نوبه خود نقطه آغاز و تطور و تکاملی داشت تا انسان به مدارج عالی تمدن دست یافت. بدین معنی که مدت مدیدی را در برگرفت تا انسانهای اعصار کهن از مرحله زندگی روستایی به مرحله زندگانی شهری که در آن یک سلسله ارزش ها و قانونمندیهای متفاوت از حیات دهگانی (دهقانی) حکمفرما بود، نایل آیند. به گونه اعتقادات و عنعنات کهن جوامع پیشینه نیز وارد زندگانی شهری گردید. این اعتقادات در هر نقطه از جهان باهم تفاوتی دارند و این تفاوت های محیطی باعث ایجاد فرهنگ های متفاوتی در بخشهای مختلف جهان گردیده است که زبان، عقاید، رسوم و عنعنات شامل آنست.

گرچه از نگاه جامعه شناسی تاریخی این ارزش ها دارای اهمیت بسزایی اند، اما آنچه زندگانی انسانها را تحول عمیقی بخشید، ابداعات و اکتشافاتی بود که رنگ دیگری به حیات بشر بخشید و درین میان ابداعات هنری که زاده تراوشات فکری، عاطفی و تصورات انسانیت، یکی از شاخصه های مهم جوامع متمدن بشمار میرود. در حقیقت این قدرت خلاقه انسان است که اساس مدنیت های بشری را بنا میگذارد و دانش و هنر از زمره عناصر مهم تشکیل دهنده آن بشمار میرود. ازینرو میتوان فرهنگ را مجموعه ارزشهای معنوی یک جامعه انسانی خواند و تمدن را مجموعه ارزشهای مادی و معنوی یک جامعه. بدین معنی که ارزش های مادی چون منابع اقتصادی و آبادی های یک سرزمین ارزش های قابل پیمایش اند و ارزش های معنوی پدیده های غیر پیمایش و اندازه گیری،

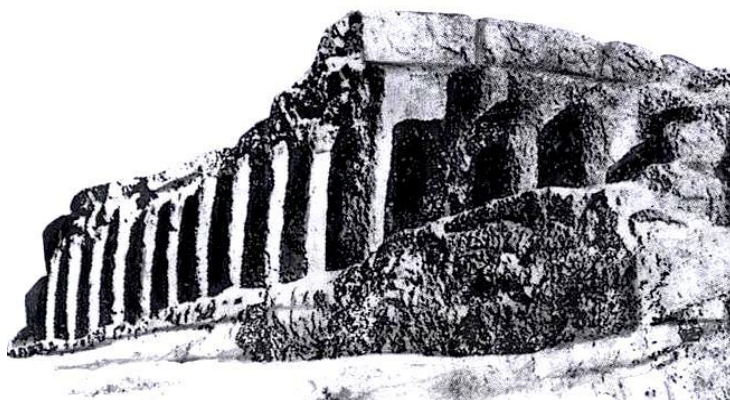
زیرا مظاهری مانند دانش و هنر واحد و مقیاس پیمایشی ندارند. بطور مثال گفته میتوانیم که عمارتی ۷۰ متر ارتفاع دارد اما در وصف زیبایی آن میگوییم که آن بنا بسیار خوش منظر است چون ارزش هنری آنرا تعریف مینماییم.

عصر آغاز مدنیت های شهری مصادف است به دوره برونز Bronze یا دوره نخستین استفاده از فلزات که بنام عصر مفرغ یاد میگردد. درحوالی ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد انسان قادر شد تا در اثر ترکیب دو فلز مس و قلع، (مفرغ) یا ماده فلزی برتری را ایجاد نماید که کشف بزرگی بود برای ساختن سلاح ، ابزار و ظروف که از نگاه کیفیت بر آلات و ظروف سنگی و گلی رجحان داشت. این کشف بزرگ حیات بشر را تحول شگرفی بخشید ، ازینرو ایندوره بنام عصر برونز یا مفرغ یاد میگردد.

درحوالی ۳۸۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش از امروز به تعقیب عصر مفرغ، انسانها موفق به ذوب آهن و ایجاد ابزار و سلاح آهنین گردیدند. کشف آهن و کاربرد آن با آنکه زندگانی بشر را از بسی جهات ارتقای بیشتر بخشید، اما در ضمن فرهنگ جنگ و لشکرکشی ها را تقویت داد. از آنجاییکه کشف آهن در سراسر جهان کهن همزمان واقع نگردید و جوامع انسانی یکی بعد دیگری از ۲۰۰۰ ق.م تا ۱۵۰۰ ق.م به این فلز مستحکم دسترسی پیدا کردند، صاحبان سلاح برتر جوامع دارای سلاح کم انکشاف یافته تر را مقهور خویش گردانیدند. اکثر دانشمندان سوسیولوجی تاریخی به این عقیده اند که طبقه فرمانروایان و بردگان در همین دوره با گستردگی بیشتری ظهور کردند و قلمروهای قدرت که مرکز آن عموماً در شهرها بود پا به عرصه وجود گذاشتند. بدیهیست که شهرها با حصار های دفاعی ، معابد و برجها و بارو هائیکه مظهر قدرتمندی فرمانروایان بود، مجهز بودند. برعلاوه استحکام رفعت و بزرگی کاخها و معابد زیبایی های بکری در عمارات کهن به ملاحظه میرسید که باعث تولد هنر معماری گردید. بهمین ترتیب، پیکره ها و نقش و نگاریکه در بنا های کهن ، بخصوص در معابد اضافه میگردد، سبب تقویت بیشتر هنرهای پیکره سازی و نقاشی را فراهم آورد. از همین جاست که تفاوت عمده میان تاریخ هنر و تاریخ سیاسی بوجود می آید، زیرا تاریخ هنر به شرح ابداعات هنری بشر که زاده نیروی خلاقه انسان است میپردازد و تاریخ سیاسی به توضیح قدرت حکومتات و شرح و بسط جنگها و چگونگی تعاملات سیاسی میان جوامع بشری. مبرهن است که اگر تاریخ هنر و انکشافات فرهنگی را از تاریخ جهان بیرون کنیم بجز از پیروزیها و شکست های فرمانروایان چیز زیادی برای گفتن نماند. در دوره ظهور مدنیت های شهری بود

که مصریان خط تصویری را ایجاد کردند، سومری ها خط میخی، یونانیان رسم الخط سلیبیک Syllabic Script و فنیقی ها ارقام را ابداع نمودند که از همین عصر دوره های تاریخی آغاز شد.

به اساس کاوشهای علمی ایکه تا حال در افغانستان صورت گرفته، باستانی ترین مظاهر تمدن شهری در جوار دو رود ارغنداب و هیرمند به مشاهده رسیده است. حوزه باستانی هیلمند و ارغنداب که دامنه فرهنگی آن تا به نواحی فراه و زرنج میرسد مانند حوزه ثقافتی بلخ و آمو دریا یکی از گهواره های نخستین مدنیت های بشری درین بخش قاره آسیا بشمار میرود.



نمای از قصر مندیگک قندهار در ۵۵۰۰ سال پیش از امروز

درسالهای میان ۱۹۵۱ و ۱۹۵۸ باستانشناسان فرانسوی به سرکردگی جین مری کسال Jean-Marie Casal در ناحیه مندیگک در ۳۰ کیلومتری شمالغرب شهر قندهار دست به حفریاتی زدند که مدنیت شهری بسیار کهن را آشکارا ساخت و نخستین مظاهر زندگانی شهر نشینی را در جوار رود هیرمند به معرفی گرفت. گرچه قدامت منطقه



جین مری- کسال

حفریات مندیگک تا دوره نیولیتیک یا دوره صیقل سنگ را در ۶۰۰۰ سال پیش احتوا مینماید، اما تمدن شهری ایکه در جوار رود هیلمند در سه هزارسال پیش از میلاد یا پنج هزار سال قبل از امروز شگوفا گردیده بود ، مهمترین بخش این مطالعات است. کسال دانشمند معروف فرانسوی به این عقیده بود که باید ارتباط منطقی ئی میان مدنیت حوزه اندوس و حوزه فرهنگی ارتقا یافته بین النهرین یا تمدن بین دو رود دجله و فرات موجود بوده باشد. کشف یک تعداد آثار تاریخی مربوط به تمدن سومری ها از شهر باستانی موهنجو دیرو در حوزه رود سند یا اندوس عده زیادی از دانشمندان را به این امر متقاعد گردانید که روابط بازرگانی گسترده میان ایندو حوزه فرهنگی کهن در هزاره سوم

ق.م وجود داشته و کسال منطقی ترین نقطه اتصال ایندو فرهنگ دور از هم را، اطراف و نواحی قندهار فرض کرد. همان بود که در سال ۱۹۵۱ مطالعات باستانشناسی گسترده را در ناحیه مندیگک آغاز نمود و در اثر حفریاتی که هفت سال تمام را در بر گرفت مظاهر مدنیت شهری ئی را کشف کرد که از ۶۰۰۰ سال ۳۰۰۰ سال پیش منطقه مسکونی بوده و بر فرهنگ زراعتی استوار بوده است. این مدنیت کهن انسانی که ما نمیدانیم نخستین پایه گزاران آن چه مردمانی بوده که درحوزه حاصلخیز هیلمند و ارغنداب میزیسته و بعد از از دوره سنگ صیقل یافته و عصر زراعتی به زندگانی شهری ارتقا یافته اند. از یافته های ساحه باستانی مندیگک چنین بر می آید که مدنیت این مردمان در هزاره سوم ق.م همعصر با تمدن سومری ها و مردمان دراویدی موهنجو دپرو بوده و بر علاوه برزگری به تجارت و سوداگری میان حوزه اندوس و بین النهرین اشتغال داشته اند. از جانبی شواهدی در دست است که در هزاره دوم پیش از میلاد تجارت لاجورد میان مردمان قدیم کوهساران بدخشان و باشندگان حوزه هیلمند وجود داشته است. راه تجارتي سنگ قیمتی لاجورد از ناحیه سرسنگ بدخشان آغاز میافته و پس از گذشتن از قندهار، این راه تجارتي سرانجام به بین النهرین وصل میگرددیده و جاده دیگری از این راه تجارتي از نواحی قندهار جدا شده و به شهر باستانی هره په Harappa در بلوچستان اتصال می یافته است. کاوشهای باستانشناسی در منطقه مندیگک بازگو کننده این حقیقت است که در حوالی دوهزارسال پیش از میلاد مسیح نفوس این ساحه بطورقابل ملاحظه تکاثف نموده و این موضوع را ازدیاد خانه های مسکونی ایکه در پای تپه ها اعمارگردیده واضح میگردداند. ازدیاد نفوس ساحه تاریخی مندیگک در شمالغرب قندهار مصادف است با هجرت بزرگ قبایل آریا ها از نواحی بلخ بسوی جنوب و مستقر شدن شان در موهنجودپرو در حوالی ۱۸۰۰ ق.م. همچنان کوچیدن این قبایل را بجانب جنوبغرب یعنی به وادی هیلمند و سیستان میتوان درین دوره یا چند سده پیشتر از آن تخمین کرد. ازجانبی تحقیقات باستانشناسی در نادعلی ولایت نیمروز در ساحه تاریخی درنگیانه یا زرنج امروزی ارتباط این مردمان پیشینه را با حوزه فرهنگی آریا (هرات) و از آنجا تا سواحل شرقی جهیل کسپین بازگو میکند. ویرانه های باستانی دهکده نادعلی در ۶ کیلومتری شهر زرنج از پیشینه های به یادگار مانده که به گمان اغلب مربوط به عصر آهن در هزاره اول پیش از میلاد مسیح یعنی دوره اوج مدنیت آریانا در عهد اوستایی بوده است. این دوره مصادف است با عصر تجارت لاجورد، که از کوهپایه های بدخشان پس از عبور از وادی بلخ و سمنگان وارد دره های پریپچ و خم هندوکش مرکزی و گرگاه کهساران هندوکش وکوه بابا یعنی بامیان میگرددید. این راه کوهستانی از بامیان به غزنه ره میگشود و از آنجا به قندهار وصل می شد.

راهی نیز از طریق یکولنگ و لعل و سرچنگل به غور وصل میگردید که در قرون ما بعدی مورد استفاده بیشتر قرار گرفت؛ و اما شهر راه تجارتي ايکه از قندهار ميگذشت پس از عبور از زرنج به شهر سوخته در سرحد کنونی افغانستان و ایران میرسید و از آنجا به سرزمین سومری های باستان می انجامید و متاع گرانبهای لاجورد را به مشتریان بین النهرین و بالاخره مصریان باستان میرساند. در راه بازگشت کاروانهای امتعه مصری و سومری به قندهار میرسید و از آنجا راهی شهر باستانی هره په میگردید. این راه تجارتي از آن شهر کهن به نشیمنگاه اقوام دراویدی در Mohamjo-daro موهنجودپرو میرسید. از اینرو در هزاره سوم و دوم ق.م نواحی قندهار، هره اسکتی یا آرکوزیای قدیم به مرکز تجارتي مبدل گشتکه نفوس فراوان و ابنیه شکوهمند نشانه غنای مالی آن بود.

حصار بالا یا کاخ شکوهمند مندیگک:

در کنار دریای زیبای کشک نخود نزدیک شاه مقصود بر فراز تپه ایکه اکنون بنام مندی گک یاد میگردد در چهار هزار سال پیش منطقه مسکونی بوده است. مردمانی درین ساحه میزیسته و با زراعت و تجارت روزگاری سپری میکرده اند. هر چند بنا بر عدم موجودیت اسناد کتبی برای ما روشن نیست که فرمانروایان این مدنیت چه کسانی بوده اند، اما از عضویت و شکوه کاخ مندیگک بر فراز تپه هویدا است که مردم این سامان سیستم اداری و شیوه حکومتی داشته اند.



قصر با عظمت مندیگک قندهار از ۲۷۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح

قصر مندیگک که در قسمت غربی تپه اعمار گردیده با ستونپایه های بلند و قطوری آراسته است. این ستونپایه های عظیم در بالای سکو یا تراس وسیعی قرار دارند که ۳۵ متر طول دارد و پله های سنگی آن در مرور ایام بیجا شده و شکل اصلی خود را از دست داده اند، اما شکوه باستانی آن هنوز هوید است. متصل به پلکان سنگی محوطه سنگفرشی به نظر میرسد که از فراز این محوطه سنگفرش منظره اطراف تا افقهای دور دست با زیبایی خاصی جلوه گراست. ستون پایه های قصر مندیگک که در قطارهای منظمی اعمار گردیده اند، پیشرفت صنعت معماری افغانستان را در ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح یعنی ۴۷۰۰ سال پیش از امروز نشان میدهد. از نگاه صنعت ساختمانی این بنای کهن را میتوان همتر از کاخ ها و بالاحصار مدنیتهای باستانی دیگر خواند چون با شکوه مندی چشمگیر و با در نظر داشت اینکه صلابت آن از فاصله های دور دیده شود، بر بلندای تپه اعمار گردیده است. این شیوه معماری یکی از خصوصیت های بارز عمارات کهن برای به نمایش گذاشتن فر و شکوه فرمانروایان پار بود و این فرهنگ تا کنون در میان ابنای بشر بجا مانده است. از قسمت بالایی و همچنان تزئینات این ابنیه کهن چیزی بجا نمانده تا بتوان در مورد زیبایی های هنری آن بسیار سخن گفت، اما طرح عمومی بنا از نگاه هنر معماری زیبایی خاص خود را داراست. ستون پایه های قطور قصر با ماده سپید گچی رنگمالی شده و از همین ماده برای رنگ آمیزی دیوارهای داخل قصر نیز استفاده به عمل آمده است. در بخش غربی عمارت در جایکه قطار ستونپایه ها به آخر میرسند دروازه قرار دارد که با رنگ سرخ درخشان رنگ آمیزی گردیده، دانشمندان تا کنون معنی سیمبولیک این درب سرخ را درک نکرده اند، اما به این نتیجه رسیده اند که باشندگان کهن مندیگک بر علاوه رنگ سفید رنگهای دیگر را نیز کشف نموده بودند.

ساحه تاریخی مندیگک در ۵۵ کیلومتری شمالغرب شهر قندهار موقعیت دارد و مساحت در حدود ۲۱ هکتار زمین را احتوا میکند. موجودیت خانه های نشیمن و دکانهای در قطار های منظم دال بر تکاثر نفوس این شهر باستانی در حوالی ۲۷۵۰ سال پیش از میلاد تا ۲۲۵۰ پیش از میلاد گواهی میدهد. از قراین چنین معلوم میشود که درین دوره این روستای باستانی در اثر مسکن گزینی مردمانی از وادی هیلمند و مهاجرینی که از شمال می آمدند به شهر پر نفوسی مبدل گشته است. باستان شناسان در داخل خانه های این شهر مظاهر زندگانی روزمره مانند ظروف گلی و سنگی و اجاق های را که از سنگ و گل پخته ساخته شده است. یکی از دلچسپترین ساختمانهای شهر، معبدیست که در بخش غربی تپه قرار دارد. این معبد دارای سرای نسبتا بزرگی در داخل محوطه معبد و چندین اتاق عبادت است. در داخل معبد یک میز بیضوی شکل بزرگی کشف گردیده که برای اجرای مراسم

مذهبی خاصی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. ما نمی‌دانیم که این مردمان باستانی به چه دین و آئینی اعتقاد داشته‌اند، اما کشف دو مجسمه موجودات انسان نما با چهره‌های خیال‌پردازی شده و تصویری (انتروپومورفیک) دال برین مینماید که این مردمان اعتقادات مذهبی خاص خود را داشته‌اند. به هر حال موجودیت معبد آراسته با ستون پایه‌های بلند و قصر شکوهمندی بر فراز تپه مندیگک بیانگر این امر است که مدنیت پیشرفته در حوزه هیلمند و سیستان وجود داشته که در گرد و غبار زمانه‌ها از حافظه تاریخ فراموش گشته‌اند.^۱

پایان قسمت اول

^۱ Archaeological Gazetter of Afghanistan / Catalogue des Sites Archéologiques D'Afghanistan, Volume I, Warwick Ball, Editions Recherche sur les civilisations, Paris, ۱۹۸۲.